روزنامه همدلی
روزنامه سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی صبح ایران
چهارشنبه ۱۰ خرداد ۱۴۰۲ _ ۱۱ ذیقعده ۱۴۴۴ _ ۳۱ می ۲۰۲۳
سال هشتم _ شماره ۲۱۸۷ _ ۸ صفحه _ قیمت ۲۰۰۰ تومان

روسیاالیوم ادعا کرد؛

عمار حکیم واسطه ایران در گفت‌وگو با سیسی

۳

«آیشمن» و هولوکاست

روایت «هانا آرنت» از دادگاه یک دلقک

۸

چرا خط قرمزها در دولت کنونی فراموش می‌شود؟!

یک بام اصولگرایان و دو هوای روحانی و رئیسی

همدلی| بسیاری از اتفاقات سیاسی که در دولت‌های گذشته می‌توانست حتی طرح آن محل انتقاد و مخالفت جدی اصولگرایان و نیروهای حامی آنان باشد، در دولت سیدابراهیم رئیسی به عنوان یک دولت اصولگرا نه تنها مورد نقد و مخالفت قرار نمی‌گیرد بلکه به عنوان یک دستآورد سازنده هم از آن صحبت می‌شود.

۲

سال گذشته ۷۱۱ کارگر در حین کار جان خود را از دست دادند

سهم بالای کارگران از مرگ و میرِ حوادث

۴

مدیرعامل خانه سینما:

حرف‌های رئیس سازمان سینمایی موضع مانیست

۷

درخواست قطر برای گفت‌وگوی ایران و اعراب

۳

پنج چالش جدی آموزش و پرورش در مقابل صحرایی

۴

از نگاه کارشناسان بر بازار مسکن آشفتگی حاکم است

فصل اضطراب اجاره‌نشین‌ها

همدلی| روزهای گرم و دلهره‌آور برای مستاجران؛ همان فصل جابه‌جایی‌ها در راه است و بازار مسکن همچنان در آشفتگی به سر می‌برد. یکی می‌گوید صاحب‌خانه با افزایش ۵۰ درصدی، ۲۰۰ میلیون تومان به پول پیش خانه اضافه کرده، دیگری از افزایش عجیب اجاره‌بها گلایه دارد و داستان‌های تکراری از بازار همچنان خبرساز است. کارشناسان مسکن می‌گویند عرضه و تقاضا در بخش مسکن همخوانی ندارد. نکته عجیب اما تاکید دولتی‌ها بر دریافت مالیات از خانه‌های خالی است تا شاید با این کار عرضه مسکن به بازار بیشتر شود، اما فقط کافی است یک‌بار در کوچه پس کوچه‌های پایتخت قدم بزنند تا شاید با عمق فاجعه خانه‌های خالی بیشتر آشنا شوند. تحت این شرایط کارشناسان مسکن معتقد هستند که تاکنون از سوی دولت هیچ عزم جدی برای رفع اثر از شرایطی که در بازار مسکن حکم‌فرماست، دیده نمی‌شود...

شرح در صفحه۶

از احتمال آزاد شدن دارایی ایران در کره جنوبی، تا بازگشت احتمالی به برجام

خوش قدمی به شیوه سلطان عمان

۳

لایحه دفاعیه با ۱۵ ایراد شکلی به روند رسیدگی تقدیم دادگاه شد

روایت وکیل «نیلوفر حامدی» از جلسه محاکمه

۴

سرمقاله

چرا غیرعلنی؟!

علی مندنی‌پور
حقوق‌دان

سرانجام جلسه نخستِ رسیدگی به پرونده اتّهامی خانم‌ها الهه محمّدی و نیلوفر حامدی دو خبرنگار از روزنامه‌های شرق و هم‌میهن روزهای دوشنبه ۸ و سه شنبه ۹ خرداد بعد از بیش از ۸ ماه «بازداشت موّقت» به اتهام اجتماع وتبانی علیه امنیت ملی، فعالیت تبلیغی علَیه‌نظام...

شرح در همین صفحه

یادداشت‌ها

اسرائیل در کمین برقراری روابط ایران و مصر
سیف‌الرضا شهابی
تحلیل‌گر سیاسی

۱

با طالبان چه کنیم؟
علی کامرانی
فعال سیاسی

۱

اصلاحات اقتصادی لوازم می‌خواهد
فریدون پهلوان
حقوق‌دان

۱

اردوغان و دیگر هیچ!
صلاح‌الدین هرسنی
تحلیل‌گر مسائل بین‌الملل

۱

سرمقاله

چرا غیرعلنی؟!

علی مندنی‌پور – سرانجام جلسه نخستِ رسیدگی به پرونده اتّهامی خانم‌ها الهه محمّدی و نیلوفر حامدی دو خبرنگار از روزنامه‌های شرق و هم‌میهن روزهای دوشنبه ۸ و سه شنبه ۹ خرداد بعد از بیش از ۸ ماه «بازداشت موّقت» به اتهام اجتماع وتبانی علیه امنیت ملی، فعالیت تبلیغی علَیه نظام وهمکاریَ با دولت متخاصم آمریکا در شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب اسلامی به ریاست قاضی صلواتی آن هم بصورت «غیرعلنی» با حضور وکلای انتخابی برگزار شد. پرسش کلیدی برای آشنایان با الفبای حقوق و نیز افکار عمومی این است که چرا غیر علنی؟! مگر نه این است که رعایت حقوق قانونی این دو خبرنگار آن هم پس از ماه‌ها بلاتکلیفی ایجاب می‌نماید، رسیدگی به اتّهامات آنان در قالب یک‌دادرسی منصفانه، علنی و با حضور و بهره مندی از وکلای مدافع صورت پذیرد؟ اگر اتّهامات وارده بر این دو خبرنگار در چارچوب یک پروسه قانونی و برمبنای اسناد و مدارک محکمه‌پسند علیه آنها مطرح شده باشد،توجیه دادگاه رسیدگی کننده به پرونده‌های این دو در ممانعت از برگزاری علنی چیست؟ مگر نه این است که قانون‌گزار به صراحت این حقّ قانونی را برای متّهم به رسمیّت شناخته ؟ و مگر نه این است که برگزاری علنی دادگاه به شفافیّت هرچه بیشتر قضیّه کمک کرده و به بسیاری از شبهه‌ها و حاشیه‌ها جواب خواهد داد؟این نوشته بدون ورود در ماهیّت پرونده و اتّهامات وارده به این دو خبرنگار (که هم در صلاحیّت و هم در شکل و ماهیّت از منظر قانون جای بحث و بررسی و نقد بسیار دارد) وبا هدف یادآوری یکی از بدیهی‌ترین حقوقِ آنان(علنی بودن دادگاه) و نیز آگاهی هر چه بیشتر شهروندان ارائه می‌گردد. «اصل بر علنی بودن دادگاه‌است...» و در زمره حقوق متّهم یکی هم برگزاری دادگاه علنی وی است. اصلی به رسمیّت شناخته شده در تمامی نظام‌های حقوقی دنیا و از جمله نظام حقوقی ما. در منشور حقوق بشر و شهروندی و در قالبِ حقّ برخورداری متّهم از دادرسی منصفانه از این مهمّ یاد و بر رعایت آن تاکید شده است. تجربه نشان داده، در نظام حقوقی ایران، از گذشته دور تا امروز به بهانه رعایت «مصلحت» در جریان پاره‌ای از دادرسی‌ها، با این اصل بنیادی بر خورد های سلیقه‌ای صورت گرفته است. شاهدِ مثال: دادگاه قاضی مرتضوی در فاجعه کهریزک. بی‌مناسبت ندیدم، به این مهمّ از دریچه قانون، گذری و نظری کوتاه داشته باشیم، باشد که مورد استفاده جویندگان حقّ و دوستداران عدالت و انصاف قرار گیرد. تصریح قانون اساسی در اصل ۱۶۵ مبنی بر این‌که « محاکمات علنی انجام می‌شود. حضور افراد بلامانع است، مگر آن‌که به تشخیص دادگاه علنی بودن آن، منافی عفّت عمومی یا نظم عمومی باشد، یا در دعاوی خصوصی طرفین دعوا تقاضا کنند که محاکمه علنی نباشد.» نشان از این واقعیّت دارد،که علنی بودنِ محاکمات در راستای صیانت از حقوق قانونی شهروندان پایه‌ریزی شده و در جای خود ضمانتی است بر رَوَند استقلال و تحقّق عدالت و سازوکاری در جهت جلب اعتماد عمومی نسبت به دستگاه قضاء.

فلسفه وجودی علنی بودن مذاکرات مجلس شورای اسلامی در اصل ۶۹ ق.اساسی؛ «مذاکرات مجلس شورای اسلامی باید علنی باشد و گزارش کامل آن از طریق رادیو و روزنامه رسمی برای اطّلاع عموم منتشر شود.» نیز در همین راستا ارزیابی می‌شود. چرا که در درجه نخست سنجش میزانِ کار و فعالیّت نمایندگان منتخب، حقّ این مردم به عنوان موّکل تلقی گردیده، بدین معنا که موّکل حقّ دارد در جریان اقدامات وکیل قرار گیرد. به‌عبارت دیگر وکیل موّظف است، گزارش دوران تصدّی وکالتِ خویش را به موّکل ارائه دهد.

ادامه در صفحه ۲

یادداشت

اسرائیل در کمین برقراری روابط ایران و مصر

سیف‌الرضا شهابی – در ورای رابطه دو جانبه ایران و عمان که در جای خود حایز اهمیت است آنچه که مهم‌ترین دستاورد سفر آقای هیثم بن‌طارق آل سعید؛ سلطان عمان به تهران می‌توان ذکر کرد نوید بر قراری ارتباط دیپلماتیک بین تهران و قاهره است و اگر موانع مرتفع شود و به اجرا درآید تاثیرات مثبت در سطح منطقه استراتژیک خاورمیانه و شمال آفریقا در بر خواهد داشت .

قطع ارتباط بین دو کشور باستانی و اسلامی ایران و مصر که در بستر تاریخ رابطه‌ای حسنه بین‌شان بر قرار بود علاوه بر این که به نفع هیچکدام از دو کشور در طی چهار دهه اخیر نبود، بلکه ضررهای زیادی برای هر دو کشور و سایر کشورهای منطقه در بر داشت و منافع قطع ارتباط بین تهران و قاهره را قدرت‌های فرامنطقه ای و اسراییل برداشت کردند. نویسنده این یادداشت در طی چهاردهه اخیر به کرات خاطرنشان کرده که باید کدورت بین تهران و قاهره بر طرف شود و محبت و صمیمیت و برادری جایگزین شود.

اگر چه بعد از پیمان کمپ دیوید و بهار ساخته شده توسط آقای اوباما به نام «بهار عربی» مصر بتدریج جایگاه مهم و نفوذ خود را در جهان عرب و بین کشورهای اسلامی از دست داد و به مصری ضعیف تبدیل شد، به‌طوریکه حسنی مبارک رئیس جمهور مصر بعد از چند دهه خدمت‌گزاری به آمریکا و اسراییل از قدرت مقاومت تهی شد و در ظرف چند روز عزل و از کاخ قدرت به گوشه عزلت در زندان رفت. با همه این‌ها، مصر به خاطر قدمت و ریشه در تاریخ و برخورداری از بسیاری از امتیازات خاص همچنان کشوری صاحب‌نام و دارای نفوذ نسبی در جهان عرب و کشورهای اسلامی می‌باشد.

منافع برقراری رابطه دیپلماتیک بین ایران - مصر بین این دو کشور محدود نخواهد بود تاثیرات مثبت آن کل منطقه را در بر خواهد گرفت و یک گام اساسی برای برقراری صلحی پایدار در خاورمیانه‌ای است که به مدت چند دهه در آتش اختلافات و جنگ‌های بی‌حاصل می‌سوزد.قطعا لابی اسرائیل در مصر که بعد از کمپ دیوید در این کشور شکل گرفته از تجدید رابطه دیپلماتیک بین تهران و قاهره نگران می‌باشد و به انحا مختلف کارشکنی خواهد کرد تا رابطه برقرار نشود ولی عزم قاطع در مراکز تصمیم‌گیری در مصر و ایران می‌تواند بر کارشکنی فایق آید و مبادله سفیر بین دو کشور فضای جدید توام با مودت و دوستی را تحقق ببخشد .سفر سلطان عمان به مصر پیش از سفر به تهران و طرح برقراری ارتباط با قاهره در تهران حکایت از این واقعیت دارد که تهران وقاهره به اهمیت برقراری روابط دیپلماتیک پی بردند و عزم را بر برقراری رابطه جزم کردند.

یادداشت

اصلاحات اقتصادی لوازم می‌خواهد

فریدون پهلوان – در خبرها خواندم که سال گذشته شرکت لویی ویتون فرانسه تنها از راه فروش عطر و ادکلن ۵۹ میلیارد دلار درآمد خالص داشته و ایران هم در همین سال به عنوان یکی از تولید کنندگان بزرگ نفتی کمتر از ۲۰ میلیارد دلار در آمد نفتی کسب کرده است.اعداد و ارقام خود در حال سخن گفتن هستند و نیازی به شرح دیگری احساس نمی‌شود اما از باب وظیفه باید خدمت تصمیم‌گیران و تصمیم‌سازان محترم عارض شد که کشور عزیزمان برای در امان ماندن از هجوم بدخواهان و بدطینتان نیازمند یک تغییر ریل اساسی حداقل در حوزه اقتصادی است. چه بسا لازمه این تغییر ریل نیازمند ایجاد برخی اصلاحات سیاسی و اجتماعی باشد، اما آنچه که محرز است و تقریبا همگان بر آن اتفاق نظر دارند آن است که ما باید به اصطلاح فرمان‌مان را بچرخانیم و برای رسیدن به توسعه مطلوب و عقب نماندن از رقبا از مسیر دیگری طی طریق کنیم.شاید لازم است اینجا به این نکته نیز اشاره کنم که طرح عناوینی چون جراحی اقتصادی که طی سال‌های اخیر از زبان برخی مسئولان خارج شده و به نوعی مد شده تجربه نشان داده که کارگشا نیست و صرفا مسکن‌های زودگذر هستند.ما در زمان دولت آقای احمدی‌نژاد شاهد یک جراحی اقتصادی بودیم که در نهایت برخلاف آنچه وعده داده شد، منجر به تغییر ریل اقتصادی نشد؛ زیرا از مسیر اصلی خود خارج و به ناکجاآباد رفت. نظر به عقیده ناظران قانونی از جمله نمایندگان مجلس وقت و سایر نهادهای نظارتی، دولت مذکور در ابتدا طبق قانون پیش رفت ولی در ادامه به دلیل برخی مصلحت‌های سیاسی تغییر مسیر داد و در نهایت آنچه شد که نباید می‌شد. اکنون از آن جراحی اقتصادی به جز زخم‌های سرباز مانده که حتی عفونی شده مورد دیگری که قابل عرض باشد باقی نمانده و این جای اندوه فراوان دارد.

در همین دولت نیز یک جراحی اقتصادی رخ داد. به نظر نگارنده این جراحی حتی از جراحی قبلی بیشتر حالت مسکن داشته است. به عبارت دیگر جراحی که توسط تیم اقتصادی دولت سیزدهم رخ داد کاملا سطحی و بدون برنامه‌ریزی بلندمدت بود. به‌هرحال اگر این طرح پلنی بلندمدت بود باید فازهای دیگری نیز می‌داشت و کم‌کم نتایج آن هویدا می‌شد. ولی آنچه نگارنده این سطور برداشت می‌کند یک‌سری اقدامات مسکنی عطف به مسئله کمبودها و نقصان‌های ارزی ناشی از تحریم رخ داد و اکنون هم همان اثرات اولیه جراحی اقتصادی که دولت از آن‌ها به عنوان دستاورد یاد می‌کرد از بین رفته است.چند روز قبل هم در خبرها خواندم آقای محسن رضایی معاون اقتصادی رئیس جمهور از اجرای اصلاحات عمیق اقتصادی سخن گفته‌اند. به‌نظر می‌رسد همین حالا و با توجه به تجربه‌های پیشین نمی‌توان به چنین اظهاراتی دل خوش داشت و امیدوار بود. اصلاحات عمیق اقتصادی و یا همان جراحی اقتصادی به لوازمی نیاز دارد که به نظر می‌رسد اکنون مهیا باشد. این لوازم بخشی مربوط به نیروهای فکری است، بخشی نیروهای عملیاتی و بخشی نیز یک‌سری اصلاحات مقدماتی به‌ویژه در حوزه سیاست داخلی و خارجی. امید آن می‌رود اگر به واقع بناست جراحی دیگری رخ دهد، تدبیر شود.

یادداشت

با طالبان چه کنیم؟

علی کامرانی - دیپلماسی، علم چگونگی تنظیم روابط با سایر ملل و دانش روابط با سیاست‌مداران دیگر ملل به هر سیاست‌مدار حوزه روابط خارجی؛ به هر انسان و به‌ویژه هر دیپلمات می‌آموزد که برای مدیریت روابط با هر کشور دیگر، ضرورت دارد که جغرافیای انسانی(زبان‌ها، اقوم، مذاهب وفِرَق، آداب و رسوم، تحولات فرهنگی، شاخص‌های توسعه انسانی به‌ویژه بهداشت، میانگین سن، میزان باسوادی و بی‌سوادی مردم آن سرزمین) و جغرافیای طبیعی(همسایگان، کوه‌ها، دره‌ها، دریاها، رودخانه‌ها ومنابع زیرزمینی و روزمینی)، تاریخ(هویت تاریخی آن ملت در ازمنه گوناگون، تاریخچه جنگ‌ها و تاریخ تحولات فکری سیاسی ونظامی) ملت‌های دیگر را در تنظیم و اتخاذ سیاست خارجی مد نظر قرار دهد و از ظرفیت‌های نظامی، اقتصادی، اشتراکات فرهنگی و شرایط جغرافیایی خود در اتخاذ تدابیر سیاسی در نوع رابطه و بعضا مواجهه با تحولات دیگر ملل و به‌ویژه همسایگان در جهت تامین "منافع ملی" بصورت علمی ودقیق بهره ببرد. متاسفانه تصمیم‌سازان حوزه سیاست خارجی کشورمان در اکثر مواقع در مواجهه با حوادث وتحولات دیگر کشورها و خاصه کشورهای منطقه خاورمیانه به‌علت کم‌سوادی و نداشتن فن دیپلماسی، تحت تاثیر فضای احساسی شده و به‌علت تحلیل غیرعلمی از اوضاع جهان و منطقه، مواضعی را اتخاذ نموده‌اند که پیامدهای پرهزینه‌ای را برای کشور به دنبال داشت. در ماجرای تحولات اخیر افغانستان و قدرت‌یابی دوباره طالبان، دست اندرکاران حوزه سیاست خارجی متاسفانه به‌علت ضعف دانش دیپلماسی و فقرعلمی؛ از هویت قومی، زبانی و مهم‌تر از همه بینش مذهبی فرقه متحجر و وحشی طالبان غفلت کرده و نه تنها از ابزارهای دیپلماتیک خود برای جلوگیری از تسلط آنان بر کابل ممانعت ننمودند بلکه تاسف مضاعف این‌که با آنان همراهی و همکاری کرده، ومتوجه عمق فاجعه نشدند. نکته اصلی و مهم این است که اگر تصمیم‌سازان حوزه سیاست خارجی شناخت و تحلیل درستی از تاریخ، فرهنگ و هویت قومی، زبانی و دینی سلفی گری ونوع قرائت طالب‌ها از شریعت در افغانستان می‌داشتند و اصول حاکم بر روابط بین‌الدول را می‌فهمیدند و تحلیل درست و مبتنی بر اصل منافع ملی می‌داشتند وخردمندی و عقلانیت را در مواجهه با طالب‌ها بر تصمیمات‌شان حاکم می‌کردند وتحت تاثیر فضای احساسی شعارهای به ظاهر ضد آمریکایی طالب قرار نمی‌گرفتند، واین گروه وحشی، ضدتاجیک و ضدشیعه هزاره و معتقد به «شوونیسم پشتونیسم» (پشتون افراطی) را جنبش اصیل منطقه نمی‌خواندند و سفارتخانه ملت افغان را به این نتراشیده‌های فرسنگ‌ها از فرهنگ و تمدن نوین دور، نمی‌دادند؛ امروز شاهد چنین حوادثی درشرق کشورمان نبودیم. اما سوال اصلی این است: حال که دستگاه دیپلماسی با این اشتباهی که در مواجهه با طالب‌ها مرتکب شده، اکنون باید با تعرضات طالب به کشور چه واکنشی داشته باشد؟پاسخ‌های بسیار و متفاوت و متکثری در این مدت به این سوال داده شد که هرکدام از آنان دارای محاسن ومعایبی بوده وقابل احترام می‌باشند. از دیدگاه صاحب این قلم ضرورت داشته که نیروهای مسلح ایران در اقدامی غافلگیرانه و ضربتی، ضرب شستی به طالب نشان داده تا هم اقتدار کشور را به آنان دیکته کند و هم به آنان هشدار دهند که تکرار چنین حوادثی خسارات جبران‌ناپذیری برای دو ملت همسایه خواهد داشت و حتی ممکن است به قیمت نابودی طالب تمام شود. فراموش نباید کرد که اگرچه مخالفین درگیری با طالب به درستی معتقدند که طالب‌ها را آمریکایی‌ها، سعودی‌ها وپاکستان به انواع تجهیزات مسلح نمودند وهدف‌شان کشانیدن ایران به باتلاق افغانستان است. اما از دیگر سو نیز نباید فراموش کرد که اگر استراتژی آمریکا، عربستان و پاکستان در برابر ایران چنین نیز باشد، این اتفاق دیر یا زود رخ خواهد داد.پس خردمندانه این است که ایران تا زمانی که طالب قدرت خود را تثبیت نکرده، پیشگیری نماید. از دیگر سو؛ نیز نباید فراموش کرد که طالبان در داخل افغانستان نیز وضعیت بسیار شکننده‌ای دارد و اقوام هزاره، ازبک و تاجیک نیز و به‌ویژه جبهه مقاومت به رهبری احمد مسعود مترصد فرصت برای حمله و ضربه به طالبان است که اکثریت مطلق از قوم پشتون هستند.

یادداشت

اردوغان و دیگر هیچ!

صلاح‌الدین هرسنی – ماراتن نفس گیر انتخابات ریاست‌جمهوری ترکیه روز یکشنبه در حالی پایان یافت که رجب طیب اردوغان رهبر حزب عدالت و توسعه بار دیگر توانست، با کسب ۵۲ درصد آرا و بیش از ۲۶ میلیون و ۸۱۵ رای به ریاست جمهوری برسد. این در حالی است که رقیب وی (کمال قلیچدار اوغلو) از حزب جمهوری خلق ترکیه و نامزد حزب ائتلاف ملت نیز در دور دوم انتخابات با کسب حدود ۴۸ درصد آرا و ۲۴ میلیون و ۶۰۰ هزار رای نتوانست بر رقیب سرسخت خود غلبه کند. اردوغان و حزب عدالت و توسعه در شرایطی حاکمیت ترکیه در طول ۲۰ سال گذشته را به دست گرفتند که این کشور از لحاظ اقتصادی کاملا ورشکست شده بود، اما اردوغان در برنامه‌ای کوتاه‌مدت ضمن احیای اقتصاد ترکیه، موجب تغییر و تحولات عظیمی در کشور شد. با مستحکم‌تر شدن پایه قدرت اردوغان و حزبش یک دگردیسی مهم سیاسی نیز در این کشور صورت گرفت، امری که با تغییر قانون اساسی، نظام ترکیه از پارلمانی به ریاستی تغییر یافت. به همین دلیل اردوغان دورنمایی برای حفظ قدرت تا سال ۲۰۲۸ را در دستور کار خود قرار داده و در عین حال هم در تدارک سپردن سکان رهبری ترکیه برای بعد از خودش در قالب حزب عدالت و توسعه کرده است. به همین دلیل است که می‌توان به جرات گفت که حتی در صورت شکست اردوغان در انتخابات ریاست جمهوری، میراث ۲۰ ساله او همچنان در فضای سیاسی و اجتماعی ترکیه باقی خواهد ماند.

به هر ترتیب با انتخابات روز یکشنبه باید بپذیریم که اردوغان سکان هدایت ترکیه را در کسوت ریاست جمهوری به دست گرفته است. اما اگر بخواهیم کنش‌ها و الگوهای رفتاری اردوغان را از سال ۲۰۱۱ تا کنون مورد تحلیل و بررسی قرار دهیم، به کارگیری منطق ارسطویی به ما اجازه نمی دهد که قدرت‌یابی و پیروزی دوباره اردوغان را قبول کنیم. در واقع ترکیه تحت صدارت اردوغان در طی ۱۳ سال اخیرا بخش بزرگی از مسئله و تولید بحران و نه راه حل مسئله، در منطقه غرب آسیا بوده است و کارنامه و عملکرد کاری او جز سیاهه و طوماری از بی‌رسمی‌ها و در نتیجه تلاش برای اقتدارگرایی و خودکامگی چیزی دیگری را به نمایش نمی‌گذارد. واقعه تلخ پارک گزی در شهر استانبول، نحوه برخورد با معدن‌چیان زغال‌سنگ در شهر سوما در استان مانیسا، نحوه برخورد با روزنامه‌نگاران یعنی توقیف و تعطیلی روزنامه و حبس روزنامه‌نگاران، تغییر سیستم پارلمانی به ریاستی و به عبارتی عبور از نظام جمهوری و میراث کمالیسم و لائیسیته و جدایی برخی از نخبگان محوری حزب عدالت و توسعه از جمله علی‌بابا جان، احمد داود اوغلو (مبدع دکترین عمق استراتژیک) و عبدالله گُل و همچنین کودتای مهندسی شده و ساختگی ۱۵ جولای ۲۰۱۶ برای پاکسازی مخالفان و یک‌دست‌سازی ترکیه تحت صدارت رجب طیب اردوغان و سر انجام واقعه «هالک بانک»

ادامه در صفحه ۵